

جنگ نیابتی آمریکا در خلیج فارس

۶ خرداد ۱۴۰۵ ساعت ۲۰:۳۹

با روی کار آمدن ریچارد نیکسون و طرح دکترین دو ستونی، ایران به عنوان ستون نظامی آمریکا در خلیج فارس تعریف شد و محمدرضا پهلوی با اشتیاق، این نقش نیابتی را پذیرفت. نتیجه این سیاست، گسترش شتاب زده خریدهای نظامی و نوسازی ارتش ایران بود؛ نوسازی‌ای که بیش از آن که بر نیاز واقعی استوار باشد، بازتابی از جاه‌طلبی شاه برای پر کردن خلأ قدرت پس از خروج انگلستان از منطقه بود.

همزمان با روی کار آمدن ریچارد نیکسون در آمریکا در سال ۱۹۶۸ و طرح دکترین دو ستونی، زمینه‌های لازم برای تقویت بنیه نظامی ایران فراهم آمد. طبق این دکترین، ایران به عنوان ستون نظامی و امنیتی منطقه و عربستان به عنوان ستون اقتصادی این دکترین، عهده دار نقش نیابتی خود در حفاظت از منافع غرب و آمریکا در منطقه خلیج فارس شدند و جالب اینکه این سیاست آمریکا با ذوق زاید الوصف مقامات ایران و به ویژه شخص محمدرضا پهلوی مواجه شد. شاه اعتقاد داشت سرنوشت ایران این گونه رقم خورده است که آمریکا وزن و نقش منطقه‌ای ایران را بپذیرد و نقش ژاندارمی را به ایران محول نماید. از این رو بدیهی بود که در راستای ایفای این نقش، نوسازی سازمان و ساختار ارتش ایران در اولویت اساسی قرار می‌گرفت و به جنگ افزارهای پیشرفته‌ای جهت مقابله با تهدیدات امنیتی مجهز می‌شد. البته توهمات شخصی محمدرضا پهلوی نیز به این وضعیت دامن می‌زد؛ به اعتقاد شاه ایران، خلیج فارس دیگر کانونی برای بازیهای سیاسی و امنیتی قدرتهای بزرگ نیست و بالطبع ایران باید خلا قدرت موجود پس از خروج انگلستان از خلیج فارس را پر نماید. از نظر شاه این قابلیت با خریدهای سرسام‌آور تجهیزات نظامی متعارف توسط ایران محقق خواهد شد؛ وی در این مسیر حتی به خریدهای بیپه‌ده تجهیزات نظامی توجهی نمی‌کرد و در پاسخ سوال هویدا، نخست وزیر وقت، مبنی بر پوشیدن بسیاری از تجهیزات در انبارهای ارتش ایران، ضمن اشاره به سرعت روند تسلیح و خریدهای نظامی ایران، می‌گوید: «چاره نداریم. سعی کنید درباره استفاده از آنها چیز یاد بگیرید.»

منبع: مشروح محاکمه و متن مدافعات هویدا، اطلاعات، ۱۹/۱/۱۳۴۵، ص ۸

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۵۰۳۳۵/جنگ-نیابتی-آمریکا-خلیج-فارس>